

# واکاوی فقهی طهارت و نجاست الکل از منظر فقه شیعه

رضارحمانی<sup>۱</sup>

## چکیده

در این مقاله به بررسی انواع الکل از نظر طهارت و نجاست و بررسی ادله فقهی آن از منظر فقه جعفری پرداخته شده است. به دلیل استفاده فراوان این ماده لازم است تا کوششی جهت شناخت علمی آن و فرآورده‌های آن و دریافت حکم شرعی آن از منابع دینی صورت گیرد که هدف این بررسی و پژوهش است. اما از آن‌جا که در کتاب و سنت و در سخنان روشن دینی، سخنی از الکل به میان نیامده است، پس به بررسی بیشتر نیاز دارد. بیش‌تر فقهای روزگار ما به گونه‌ای حکم آن را بیان کرده‌اند، اما از وارد شدن به بحث کارشناسی موضوعی و شناخت و تحلیل علمی موضوع خودداری ورزیده‌اند. در این بحث سه قول مطرح شده است؛ برخی قائل به نجاست، برخی قائل به طهارت و برخی هم قائل به تفصیل شده‌اند. قول اول وابسته به این می‌باشد که الکل از مصادیق خمر یا مسکر بالاصاله باشد و قول دوم وابسته به این است که از مصادیق آن دو نباشد، اما قول سوم وابسته به گرفته شدن یا نشدن از تقطیر مشروبات الکلی می‌باشد و در آخر نتیجه گرفته‌ایم که تمام اقسام الکل و به تبع فرآورده‌هایش به استثنای مصادیق مسکر مایع بالاصاله، دارای طهارت می‌باشند. روش این مقاله گردآوری داده‌های کتابخانه‌ای می‌باشد.

واژگان کلیدی: خمر، مسکر، الکل، طهارت، نجاست

---

۱. طلبه پایه نهم مدرسه شهیدین علیه السلام.

رایانامه: rr13761376@gmail.com

شماره تماس: ۰۹۱۴۲۳۶۶۸۹۷



## ۱. مقدمه

علم فقه تنها علمی می‌باشد که تبیین احکام شریعت را بر عهده گرفته است و پیوسته با سوالات جدیدی در مورد موضوعات جدید روبرو می‌شود که با رجوع دادن این سوالات به منابع دینی پاسخی یقینی و مستدل را نسبت به آنها ارائه می‌دهد. یکی از موضوعات جدید حکم الکحل می‌باشد که در آثار قدما بحثی مربوط به آن مطرح نشده است، پس بایستی به آثار علمای جدید رجوع شود و از آنجا که حتی در آثار علمای جدید هم به طور مستدل و مفصل به این امر پرداخته نشده است و همین‌طور از آنجا که موضوع مورد بررسی ما از مواردی می‌باشد که بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرد، لذا ضرورت ایجاب می‌کند تا تحقیقی در این مورد صورت گیرد. و از آنجا که بحث الکحل بسیار گسترده می‌باشد، در این مقاله به بررسی ماهیت و انواع الکحل و فرآورده‌هایش، به همراه بحث از خمر و مسکر و طهارت و نجاست آن‌ها پرداخته شده است.

در تالیفات فقها هیچ‌گونه کتاب یا مقاله‌ای با موضوع الکحل و فرآورده‌ها آن به چشم نمی‌خورد. البته برخی از بزرگان مانند: محقق خویی و شهید سید محمد باقر صدر به صورت مختصر به این موضوع پرداخته‌اند. (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۹۳؛ شهید صدر، ۱۴۳۸ق، ج ۱۱، ص ۴۵۱) البته یکی از معاصرین به نام سید حسن وحدتی شبیری کتابچه‌ای با عنوان «بررسی فرآورده‌های الکحل از نظر نجاست و حرمت» منتشر کرده که به سبب عدم تخصص نویسنده در علم فقه و تخصص در علم شیمی اطلاعات چشمگیر فقهی ندارد. در مورد امتیازات این مقاله از دیگر نگاه‌ها در این موضوع می‌توان به جامعیت و دقت بحث‌ها و دارا بودن بیان روان و ساده اشاره کرد.

## ۲. مفهوم شناسی

### ۲-۱. مفهوم لغوی و اصطلاحی الکحل

**مفهوم لغوی الکحل:** نخستین بار ابوبکر محمد بن زکریای رازی، پزشک و شیمی‌دان ایرانی در قرن سوم هجری این ماده را کشف کرد و نام آن را الکحل گذاشت. کُحل، در اصطلاح پیشینیان، به معنای سرمه است که از آن برای زینت و درمان بیماری‌های چشم استفاده می‌کردند. زکریای رازی عنوان کُحل را به معنی جوهر یا ماده اثرگذار در نظر گرفته (به خاطر تاثیر در درمان چشم) و سپس آن را به صورت اسم خاص برای ماده اثرگذار در شراب برگزیده

است، به طوری که در زبان لاتین پس از شناختن الکل در کتاب‌های شرقی و آشنایی به نام‌گذاری زکریای رازی، عنوان Esprit (اسپری) را به معنای روح، یا جوهر، یا ماده اصلی به الکل دادند. (دهخدا، ۱۳۷۷ش، ج ۶، ص ۷۲).

**مفهوم اصطلاحی الکل:** در علم شیمی، هر جسم شیمیایی که از یک هیدروژن و یک اکسیژن تشکیل یافته و به صورت OH نمایان و شناخته می‌شود، الکل گویند. (صبور اردوبادی، ۱۲۵۱ش، ج ۱، ص ۲۴) یک الکل از نظر ساختمان ترکیبی از یک آلکان و آب است. (مورتیمو، ۱۳۹۲ش، ج ۲، ص ۴۲۶)

الکل مایعی است بیرنگ با بویی مطبوع و طعمی سوزان که وزن مخصوص آن ۰/۸ است و در ۷۸ درجه می‌جوشد و در ۱۳۰ درجه منجمد می‌شود که در زمان‌های قدیم از طریق تقطیر شراب به دست می‌آمده است و در زمان حال با روش‌های جدید و پیچیده (صنعتی و طبیعی) تحصیل می‌شود. (دهخدا، ۱۳۷۷ش، ج ۶، ص ۷۲)

## ۲-۲. مفهوم لغوی و اصطلاحی مسکر

**مفهوم لغوی مسکر:** مسکر اسم فاعل از باب افعال می‌باشد که به معنای سکر آور می‌باشد. در لغت‌نامه‌ها معانی مختلفی برای آن ذکر شده است؛ از قبیل نقیض هشیاری، (خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۳۰۹؛ مهنا، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۶۰۹) پنهان‌کننده عقل، (مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۵۳۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۱۶؛ فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۸۱) زایل‌کننده عقل، (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۲۷۲؛ طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۳، ص ۳۳۴) می‌باشد. همچنین در نظر برخی دیگر چیزی است که علاوه بر زوال عقل موجب هیجان و ناتوانی در جسد نیز می‌شود. (ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۱۰، ص ۳۴) و بنابر نظر برخی دیگر ماده‌ای است که علاوه بر زوال عقل و ناتوانی جسم موجب داغی جسد نیز می‌شود. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۲۷۲؛ طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۳، ص ۳۳۴) و بالاخره بعضی معتقدند ماده‌ای است که موجب حیرت نیز می‌شود. (جوهری، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۶۸۷).

**مفهوم اصطلاحی مسکر:** در مفهوم اصطلاحی مسکر در کلمات فقها اختلاف شده و آنها را به دو قسم تقسیم نموده است؛ برخی تعریف خاصی برای سکر بیان نکرده‌اند و صرفاً ملاک آن‌را عرف دانسته‌اند، (صاحب جواهر، ج ۵، ص ۳۸۷) اما برخی دیگر به بیان تعریف پرداخته‌اند، که خود ایشان به چند دسته تقسیم می‌شوند؛ برخی سکر را به اختلال در کلام





همراه ظاهر کردن اسرار تعریف کرده‌اند (بهبهانی، ۱۳۷۸ش، ص ۱۰۲) و برخی دیگر سکر را موجب هلاکت روح، دین و عقل می‌دانند. (همان، ص ۶۹)

باید توجه شود که سکر حالتی می‌باشد که به طور استقلالی موجب نقص در عقل می‌شود و با این بیان با اغماء متفاوت می‌باشد؛ چراکه اغماء استقلالا موجب ضعف قلب و بدن نمی‌شود. (کاشف الغطاء، ص ۱۷۲)

برخی فرموده‌اند که خواب و سکر اگرچه در پنهان کردن عقل و زایل نکردن عقل یکسان می‌باشند، اما خواب بر خلاف سکر موجب تعطیلی حواس می‌شود. (آملی، ۱۳۸۴ق، ج ۳، ص ۱۲۷)

علت بحث از مفهوم اسکار به حکم الکحل بر می‌گردد، که اگر مسکر بودن الکحل اثبات شود حرمتش نیز اثبات می‌شود، پس خروج از موضوع نمی‌باشد.

## ۲-۳. مفهوم لغوی و اصطلاحی خمر

**مفهوم لغوی خمر:** اهل لغت در ماده‌ای که خمر از آن گرفته می‌شود اختلاف دارند؛ برخی خمر را مسکری می‌دانند که فقط از انگور گرفته می‌شود، (مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۳۶۳) برخی دیگر معتقدند از خرما نیز گرفته می‌شود. در مقابل عده‌ای معتقدند که فقط از خرما یا تازه و خرما خشک گرفته می‌شود. در نظر برخی دیگر از دانه و حبه گرفته می‌شود. (مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۳۶۳) و هم‌چنین برخی به این قائلند که خمر همه مسکرات را شامل می‌شود و مهم نیست که از چه چیزی درست می‌شود. (همان، ص ۳۶۴؛ فیومی، ج ۲، ص ۱۸۱) و در مقابل بسیاری از لغویین، حقیقت خمر را معنا نکرده‌اند و یا اینکه گفته‌اند: معنای خمر معروف است. (خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۲۶۰) (۴۱) ۱۳ هـ. ش.

درباره علت نام‌گذاری خمر نیز در کتب لغت دو احتمال ذکر شده است؛ احتمال اول این است که خمر به این دلیل خمر نامیده شده که مُخْتَمِر شده یعنی بوی آن تغییر کرده است. احتمال دوم در علت نام‌گذاری خمر این است که خمر چون سبب مخامره (پوشاندن) عقل می‌شود، خمر نامیده شده است. (طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۳، ص ۲۹۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۲۵۵؛ مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۳۶۳)

با توجه به معنای لغوی خمر (پوشاندن) (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۹۹) تقویت می‌شود. از نظر اکثر لغوی‌ها، معنای خمر معنای عام است یعنی شامل تمام مسکرات می‌شود (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۶ش، ج ۱، ص ۴۶۸).



**مفهوم اصطلاحی خمر:** در میان فقها نیز درباره حقیقت خمر اختلاف نظر وجود دارد و بر این اساس به دو گروه کلی تقسیم می‌شوند: برخی معتقدند که معنای اصطلاحی خمر تفاوتی با معنای لغوی ندارد؛ این افراد خودشان به دو گروه تقسیم می‌شوند: عده‌ای خمر را نامی می‌دانند برای هر نوشیدنی که مسکر باشد (مقدس اردبیلی، ص ۶۲۸) و کسانی که خمر را اسم می‌دانند برای خصوص مسکری که از انگور گرفته می‌شود (مفید، ۱۴۱۰ق، ص ۷۹۸؛ صدر، ۱۴۳۴ق، ج ۱۱، ص ۴۵۸) اما برخی دیگر از فقها معتقدند معنای اصطلاحی خمر با معنای لغوی آن متفاوت است، و با استناد به برخی از روایات قائل به این شده‌اند که خمر حقیقت شرعیه برای مُسکر مایع است؛ یعنی در ابتدا عرفاً برای مسکری که از انگور به دست آمده وضع شده، ولی شارع آن را برای مطلق مشروبات مست‌کننده وضع کرده است.<sup>۱</sup> (بحرانی، ۱۳۶۳ش، ج ۵، ص ۱۱۷)

در روایتی ذکر شده که ابی‌الجارود از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که ایشان در مورد سخن خداوند متعال: ﴿إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ...﴾ (مائده، ۹۰) فرمودند: اما خمر، پس هر نوشیدنی مسکری هنگامی که تخمیر شود خمر است. (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۵، ص ۲۸۰).

اگرچه در زمان نزول آیه ﴿إِنَّمَا الْخَمْرُ...﴾ غالباً خمر را از انگور می‌گرفتند، لیکن خمر در آیه شریفه، به شراب انگور، انصراف ندارد؛ زیرا عبارت «و هو خمر» - که در روایات بیان شده است - اشاره دارد به همان خمیری که در قرآن آمده است. در این روایات، معصومین علیهم السلام در مقام بیان مقصود خداوند از کلمه خمر در آیه شریفه هستند، پس اگر در فرمایش معصومین علیهم السلام واژه «الخمر» آمده باشد، الف و لام برای عهد است؛ یعنی همان خمیری که خداوند حرام کرده است. در فقه نمی‌توان گفت که کلمات شارع مقدّس به متعارف بین مردم منصرف‌اند، بلکه غیرمتعارف را نیز شامل می‌شوند؛ به عبارت دیگر، اگر لفظی به صورت مطلق استعمال شد، مقصود گوینده هر چیزی است که آن لفظ بر آن صدق می‌کند. (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۶ش، ج ۱، ص ۴۷۱)

### ۳. اقسام الکحل

الکحل از جهات مختلف اقسام متعددی داشته و هر یک از اقسام آن ویژگی و کاربردی متفاوت از دیگری دارد؛ یکی از این اقسام، تقسیم الکحل به اعتبار ساختار مولکولی آن است، اما به جهت ارتباط نداشتن اقسام دیگر با بحث صرفاً الکحل را به اعتبار ساختمان مولکولی بررسی می‌کنیم.

۱. علت بحث از مفهوم به خاطر کمک کردن به شناخت حکم خمر می‌باشد.



الکل‌ها را بر اساس نوع کربنی که دارای عامل الکلی است، به سه نوع تقسیم می‌کنند: اگر عامل الکلی بر روی کربن نوع اول (کربنی که فقط به یک کربن دیگر متصل است) قرار گرفته باشد، الکل را نوع اول می‌گویند و اگر بر کربن نوع دوم یا سوم (کربنی که به دو یا سه کربن دیگر متصل است) قرار گرفته باشد، الکل را نوع دوم یا سوم می‌گویند. (شیمی سال ششم ریاضی، ۱۳۵۴ق، ص ۱۴۲)

معروف‌ترین و پرکاربردترین الکل‌ها، متانول و اتانول می‌باشند که لازم است دربارهٔ ساختار آنها توضیحاتی ارائه شود:

نوع اول متانول متیل الکل (الکل متیلیک)  $(CH_3OH)$  (Methyl) می‌باشد که این ماده الکلی دارای نقطه ذوب ۹۷ درجه و نقطه جوش ۶۴٫۵ درجه است. متیل الکل به عنوان الکل چوب شناخته شده است؛ زیرا می‌توان آن را از تقطیر تخریبی چوب به دست آورد؛ اگر چوب را در ظرف سر بسته بدون هوا تا ۳۰۰ درجه گرم کنند، متیل الکل به دست می‌آید. در صنعت بیش‌تر متیل الکل مورد نیاز را از واکنش گازهای مونواکسید کربن و هیدروژن در مجاورت کاتالیزور اکسید روی تهیه می‌کنند. متیل الکل بسیار سمی است. آشامیدن آن، سبب کوری و حتی مرگ می‌شود. به عنوان حلال و ماده اولیه برای تهیه بسیاری از ترکیب‌های آلی، به طور گسترده به کار می‌رود. (خورگامی، ۱۳۵۸ش، ج ۱، ص ۱۱۴)

نوع دوم اتانول (الکل اتیلیک) اتیل الکل  $(C_2H_5OH)$  می‌باشد که نه تنها قدیمی‌ترین ترکیب شیمیایی آلی سنتزی است که به وسیله بشر مورد استفاده قرار گرفته است، بلکه یکی از مهم‌ترین ترکیب‌های آلی نیز به‌شمار می‌آید. (خورگامی، ۱۳۵۸ش، ج ۱، ص ۱۲۱).

#### ۴. دیدگاه فقها پیرامون طهارت و نجاست اتانول

نسبت به طهارت و نجاست اتانول، سه قول وجود دارد:

نجاست: تعدادی از فقها، همهٔ اقسام اتانول را نجس می‌دانند که از آن جمله می‌توان به سید محسن حکیم (طباطبایی حکیم، ۱۴۳۳ق، ج ۱، ص ۱۴۹) و سید تقی قمی (طباطبایی قمی، ۱۴۳۳ق، ج ۳، ص ۲۱۷) اشاره نمود.

طهارت: تعدادی از فقها نیز همهٔ اقسام اتانول را پاک می‌دانند که از آن جمله می‌توان به مرحوم یزدی (یزدی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۱۴۱) و محقق خوئی (خوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۹۳) اشاره کرد.

قول به تفصیل: دستة سوم از فقها قائلند اتانول طاهر است، مگر اینکه از تقطیر مشروبات نجس به دست آمده باشد که از آن جمله می‌توان به شهید سید محمد باقر صدر (صدر، ۱۴۳۴ق، ج ۱۳، ص ۱۶۵) و شیخ محمد فاضل لنکرانی اشاره کرد. (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۶ق، ص ۲۲).

## ۵. ادله فقها

### ۵ - ۱. ادله قول به نجاست

قائلین به این قول به دو دلیل استناد نموده‌اند:

**دلیل اول:** اتانول از مصادیق خمر است و خمر نجس است پس اتانول نجس است. (حلی، ۱۳۳۸ش، ج ۱، ص ۴۸۲).

بررسی صغرای استدلال: اتانول از مصادیق خمر است؛ زیرا اتانول مسکر مایع بالاصاله است و همان‌طور که در بخش اول گذشت به تصریح بعضی از لغویین همه مسکرات از مصادیق خمر می‌باشند. (طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۳، ص ۲۹۳)

بررسی کبرای استدلال: خمر نجس است. ادله نجاست خمر عبارتند از:

اجماع: بسیاری از بزرگان نسبت به نجاست خمر ادعای اجماع کرده‌اند. (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۳۵؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۴۷۶؛ ابن سعید، ص ۱۸)

این ادعا ناتمام است؛ زیرا برخی از فقها همچون شیخ صدوق (ابن بابویه، ۱۳۶۳ش، ج ۱، ص ۷۴)، پدر ایشان علی بن بابویه (همان، ص ۱۸)، ابن ابی عقیل عمانی (علامه حلی، ۱۳۷۴ش، ج ۱، ص ۴۶۹) و محقق اردبیلی (مقدس اردبیلی، ج ۱، ص ۳۱۰) قائل به طهارت شده‌اند.

آیه شریفه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید همانا شراب و قمار و بتها و ازلام (نوعی بخت آزمایی)، پلید و از عمل شیطان هستند، از آن دوری کنید تا رستگار شوید».

(مانده، ۹۰).

برخی از فقها معتقدند این آیه بر نجاست خمر دلالت می‌کند؛ زیرا «رجس» در این آیه شریفه به معنای نجس می‌باشد (طوسی، ۱۳۶۵ش، ج ۱، ص ۲۷۸؛ علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۶۴) خصوصاً به قرینه «فَاجْتَنِبُوهُ»؛ زیرا آنچه که در ارتکاز متشرعه وجود دارد اجتناب از نجس است و تعبیر اجتناب عن النجس تعبیر شایعی است (لنکرانی، ۱۴۳۲ق، ج ۳، ص ۵۴۱)





اشکال شده که این برداشت از آیه شریفه ناتمام است؛ زیرا با مراجعه به کتب لغت معلوم می‌شود که رجس به معنای قبیح و پلید می‌باشد، نه نجس. (خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۵۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۴۲؛ طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۴، ص ۷۴) خصوصاً در این آیه که قرینه هم وجود دارد؛ زیرا میسر (قمار) هم به همراه خمر به‌عنوان رجس شمرده شده‌اند و نجس بودن میسر معنی ندارد (خوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۸۲) و همچنین عنوان «اجتناب از نجس» که در ارتکاز متشرعه وجود دارد در اثر استعمال فقه و کثرت تکرار جمله «اجتناب عن النجس» حاصل شده و حادث است و ربطی به زمان نزول قرآن ندارد. (لنکرانی، ۱۴۳۲ق، ج ۳، ص ۵۴۱)

روایات: دلیل عمده بر نجاست خمر، روایات می‌باشند. روایات فراوانی ظهور در نجاست خمر دارند، لذا مستفیضه می‌باشند، بلکه مطابق ادعای برخی از فقها ممکن است بگوییم تواتر اجمالی دارند؛ یعنی یقین داریم که برخی از آنها از معصوم علیه السلام صادر شده‌اند. (خوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۸۳) از این روایات می‌توان به چند نمونه اشاره کرد:

الف. روایاتی که امر به شستن ملاقی خمر می‌کنند؛ مانند: موثق عمار سبابطی<sup>۱</sup>: «از امام صادق علیه السلام درباره خمره‌ای که خمر در آن بوده پرسیدم که آیا می‌توان در آن سرکه یا آب کامک [نوعی خوردنی] یا زیتون ریخت؟ فرمود اگر خمره شسته شود اشکال ندارد، و درباره آفتابه‌ای که خمر در آن بوده پرسیدم که آیا می‌توان در آن آب ریخت؟ فرمودند: اگر شسته شود اشکال ندارد و درباره ظرفی که خمر در آن نوشیده می‌شود، فرمود: آن را سه مرتبه می‌شویی<sup>۲</sup>. (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۴۹۴)

برخی از فقها معتقدند این روایت از دو جهت دلالت بر نجاست خمر می‌کند؛ اولاً: مفهوم

۱. بررسی سند: محمد بن یحیی و محمد بن احمد توثیق خاص دارند. اما احمد بن حسن و عمرو بن سعید و مصدق بن صدقه و عمار بن موسی سبابطی همگی فطحی هستند و مذهب فاسدی دارند، لکن توثیق خاص دارند و همانطور که در علم اصول ثابت شده است خبر راوی مورد وثوق حجت است، حتی اگر آن راوی حق نباشد. در نتیجه این روایت موثق می‌باشد. (نتائج الأفكار في الاصول، ج ۳، ص ۲۶۹)

۲. محمد بن یعقوب عن محمد بن یحیی عن محمد بن أحمد عن أحمد بن الحسن عن عمرو بن سعید عن مصدق بن صدقة عن عمار بن موسی عن أبي عبدالله علیه السلام قال: «سألته عن الدن يكون فيه الخمر، هل يصلح أن يكون فيه خل أو ماء كامخ أو زيتون؟ قال إذا غسل فلا بأس، و عن الإبريق وغيره يكون فيه خمر، أ يصلح أن يكون فيه ماء قال إذا غسل فلا بأس و قال في قدح أو إناء يشرب فيه الخمر قال تغسله ثلاث مرات... (وسائل الشيعة، ج ۳، ص ۴۹۴، كتاب الطهارة، باب ۵۱ أبواب النجاسات، ح ۱)





جمله شرطیه موجود در این روایت (اگر بشوید اشکالی ندارد)، این است که در صورت عدم شستن ظرف خمر نمی‌توانیم آن را در خوردن و آشامیدن به کار ببریم و این عرفاً با نجاست خمر ملازمه دارد. ثانیاً: منطوق جمله «سه بار بشوید» این است که برای استفاده جهت خوردن و آشامیدن باید ظرف خمر را بشوییم و این روایت بالالتزام بر نجاست خمر دلالت می‌کند. (صدر، ۱۴۳۴ق، ج ۱۱، ص ۴۱۹)

ب. روایاتی که از نماز خواندن با لباسی که خمر با آن برخورد کرده نهی می‌کنند؛ مانند: روایت مرسل یونس<sup>۱</sup>: «هنگامی که خمر یا نیبزی سکرآور با لباس برخورد کرد، اگر موضعش را دانستی آنجا را بشوی و اگر ندانستی همه لباس را بشوی و اگر با آن لباس نماز خوانده‌ای نمازت را دوباره بخوان. (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۴۶۹).<sup>۲</sup> برخی از فقها معتقدند این روایت به طور مطابقی بر لزوم تطهیر لباس برای نماز دلالت می‌کند و بالالتزام بر نجاست خمر دلالت می‌کند و گرنه وجهی برای تکرار نماز و تطهیر لباس وجود ندارد. (خمینی، ۱۳۹۲ش، ج ۳، ص ۲۵۳)

**دلیل دوم:** اتانول از مصادیق مسکر بالأصالة است و مسکرات مایع بالأصالة نجس هستند، پس اتانول نجس است. (طباطبایی حکیم، ۱۴۳۳ق، ج ۱، ص ۱۴۹؛ طباطبایی قمی، ۱۴۳۳ق، ج ۳، ص ۲۱۷)

۱. بررسی سند: علی بن ابراهیم و محمد بن عیسی و یونس بن عبدالرحمن، هر سه از ثقات و اجلای اصحاب می‌باشند اما کسی که یونس از او روایت کرده مجهول است، لذا این روایت مرسل است. برای تصحیح سند این روایت و سایر مراسیل یونس برخی از فقها فرموده‌اند: یونس از اصحاب اجماع است؛ یعنی کسانی که کشی درباره آنها فرموده: «أجمع أصحابنا علی تصحیح ما یصحح عن هؤلاء و تصدیقهم و أقرأهم بالفقه و العلم» (اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۳۰)، ظاهر این عبارت این است: هر روایتی که راویانش از اول سند تا راوی از این افراد موثق باشند آن روایت معتبر است و لازم نیست مروی عنه این افراد موثق یا معلوم باشد لذا مراسیل این افراد - از جمله یونس بن عبدالرحمن - حجت می‌باشند. (فقه الصادق، ج ۲، ص ۳۰۴) در مقابل، عده‌ای دیگر از فقها فرموده‌اند: این عبارت کشی در معنای یاد شده ظهور ندارد و بلکه به بیان جلالت این افراد و اینکه اجماع بر وثاقت و فقاقت آنها منعقد شده ناظر است، لذا مراسیل آنها مثل سایر روایات مرسل بوده و نامعتبر می‌باشند. (معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۵۹)

۲. عن علی بن ابراهیم عن محمد بن عیسی عن یونس عن بعض من رواه عن أبي عبدالله ع قال: «إذا أصاب ثوبك خمر أو نیبذ مسکر فاغسله إن عرفت موضعه وإن لم تعرف موضعه فاغسله كله وإن صلیت فيه فأعد صلاتك». (وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۴۶۹، کتاب الطهارة، باب ۳۸ أبواب النجاسات، ح ۳.)



صغرای استدلال: اتانول از مصادیق مسکر مایع بالأصالة است؛ زیرا مایعی است مست کننده که در اصل هم مایع است.

کبرای استدلال: مسکرات مایع بالأصالة، نجس هستند. نجاست مسکرات مایع بالأصالة میان فقها مشهور است. (صاحب جواهر، ج ۶، ص ۲)

در ادامه ادله نجاست مسکرات مایع بالأصالة را مورد ارزیابی قرار می دهیم. این ادله عبارتند از:

آیه شریفه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید همانا شراب و قمار و بتها و ازلام [نوعی بخت آزمایی] پلید و از عمل شیطان هستند از آن دوری کنید تا راستگار شوید». (مانده، ۹۰)

توضیح: برخی از فقها معتقدند این آیه بر نجاست مسکر مایع بالأصالة دلالت می کند؛ زیرا «رجس» در این آیه شریفه به معنای نجس می باشد، پس خمر نجس است و از آنجا که مسکر مایع بالأصالة از مصادیق خمر است، پس نجس می باشد. (محقق حلی، ۱۳۶۴ ش، ج ۱، ص ۴۲۲ و ۴۲۴)

لکن همان گونه که در نقد دلیل اول گذشت، این استدلال ناتمام است؛ زیرا همانطور که از برخی لغویین و فقها نقل شد رجس به معنای نجس نمی باشد. (خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ ق، ج ۶، ص ۵۳؛ راغب اصفهانی، ص ۳۴۲؛ طریحی، ۱۳۷۵ ش، ج ۴، ص ۷۴؛ خوئی، ۱۴۱۸ ق، ج ۳، ص ۸۳) همچنین در بحث های سابق گذشت که تعیین مفهوم خمر نزد لغویین و فقها محل اختلاف است و قدر متیقن از آن، مسکری است که از انگور به دست می آید و دلیلی وجود ندارد که خمر همه مسکرات را شامل شود. (همان، ص ۱۲).

اجماع: (صاحب جواهر، ج ۶، ص ۲) محقق خوئی معتقد است که این استدلال ناتمام است؛ زیرا وقتی که اجماع بر نجاست خصوص خمر ثابت نیست - همان گونه که گذشت - پس واضح است که اجماع بر نجاست مطلق مسکرات هم ثابت نباشد. (خوئی، ۱۴۱۸ ق، ج ۳، ص ۸۹) حتی در فرض وجود اجماع، این اجماع کاشف از قول معصوم علیه السلام نیست؛ زیرا احتمال می دهیم مستند اجماع کنندگان روایاتی باشد که بعداً آنها را ذکر خواهیم کرد، و اجماع مدرکی حجت نیست.

روایات: بسیاری از فقها برای اثبات نجاست مسکرات مایع بالأصالة به دسته ای از روایات استدلال کرده اند؛ مانند:

الف: موثق عمار از امام صادق علیه السلام: در خانه ای که خمر و مسکر وجود دارد نماز نخوان؛

زیرا ملائکه آنجا داخل نمی‌شوند، و در لباسی که خمر و مسکر با آن برخورد کرده نماز نخوان، تا اینکه آن را بشویی. (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۴۷۰).

امام خمینی رحمته الله معتقد است: نهی از نماز خواندن در لباسی که مسکر با آن برخورد کرده، به دلالت التزامی بر نجاست مسکرات دلالت دارد.

به لحاظ دلالتی بر این روایت اینگونه اشکال شده است که این روایت بر بطلان نماز و نجاست مسکر دلالت ندارد؛ زیرا در صدر این روایت از نماز خواندن در خانه‌ای که در آن مسکر وجود دارد نهی شده و معلوم است که نماز در خانه‌ای که در آن مسکر وجود دارد باطل نیست، پس به قرینه وحدت سیاق معلوم می‌شود نهی از نماز هم الزامی نیست.

در جواب می‌توان ذکر کرد که امام خمینی رحمته الله فرموده‌اند: اولاً، اگر به خاطر دلیلی خاص معلوم شود که نهی اول الزامی نیست، خدشه‌ای در الزامی بودن نهی مستقل بعد ایجاد نمی‌شود. ثانیاً، در نهی دوم مسکر بر خمر عطف شده و گذشت که نهی از نماز در لباسی که خمر با آن برخورد کرده الزامی است و به دلالت التزامی در مسکر هم همین‌گونه می‌باشد. (خمینی، ۱۳۹۲ش، ج ۳، ص ۲۷۶)

ب: روایت معتبر عمر بن حنظله: به امام صادق علیه السلام گفتم درباره کاسه‌ای از مسکر که آب بر آن ریخته می‌شود تا شر و شکر آن از بین برود چه نظری دارید؟ فرمود: نه به خدا قسم، و قطره‌ای از آن در کوزه‌ای نمی‌افتد مگر اینکه محتوای آن کوزه دور ریخته می‌شود. (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۵، ص ۳۴۱)

این روایت نیز از لحاظ دلالتی همچون روایت قبلی می‌باشد.

## ۵-۲. ادله قول به طهارت

قائلان به طهارت دلیل مستقلی بر طهارت مطرح نکرده‌اند، بلکه دیدگاه خود را با نقد ادله نجاست و قاعده اصالت الطهاره اثبات کرده‌اند.

قائلین به نجاست به دو دلیل استناد کرده بودند؛

دلیل اول قائلین به نجاست که بیان می‌کرد اتانول از مصادیق خمر است و خمر نجس است، پس اتانول نجس است، از یک صغری و کبری تشکیل شده است. طبق فرمایش برخی از فقها صغرای این دلیل ناتمام است؛ زیرا گذشت که تعیین مفهوم خمر نزد لغویین و فقها





اختلافی است و قدر متیقن از آن خصوص مسکری است که از انگور به دست می‌آید، (صدر، ۱۴۳۴ق، ج ۱۱، ص ۴۵۸) لذا اینکه اتانول از مصادیق خمر باشد، صرف ادعاست و قابل اثبات نیست. اما هرچند اکثر فقها کبرای این دلیل - نجاست خمر - را پذیرفته‌اند، ولی برخی هم آن را نپذیرفته و به دسته‌ای از روایات استناد کرده‌اند که بر طهارت خمر دلالت می‌کند. در مورد این دسته هم برخی از فقها ادعا کرده‌اند که بعید نیست به صدور بعضی از آنها از معصومین علیهم‌السلام علم پیدا کنیم؛ یعنی این دسته هم تواتر اجمالی دارند. (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۸۴)

روایت اول: صحیح علی بن رناب: «از امام صادق علیه‌السلام درباره خمر و نیبذ مسکر که به لباسم برخورد می‌کند پرسیدم: آیا لازم است آن را بشویم یا می‌توانم در آن نماز بخوانم؟ فرمود: در آن نماز بخوان مگر اینکه آن را کثیف بدانی و اثرش را بشویی به درستی که خداوند فقط نوشیدن آن را حرام کرده است. (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۴۷۲)

برخی از فقها معتقدند این روایت بر طهارت خمر دلالت می‌کند؛ زیرا اجازه داده شده است که قبل از شستن لباس، در آن نماز بخواند، پس بر طهارت خمر دلالت می‌کند. (صدر، ۱۴۳۴ق، ج ۱۱، ص ۴۲۸)

می‌توان اشکال کرد که این اجازه بر طهارت دلالت نمی‌کند، بلکه فقط بر مانع نبودن برای نماز دلالت می‌کند.

در جواب می‌توان بیان کرد که: طبق بیان شهید صدر، با ملاحظه ارتکاز متشرعین بر مانعیت نجاست از نماز، معلوم می‌شود که روایت بر طهارت لباس دلالت التزامی دارد. (صدر، ۱۴۳۴ق، ج ۱۱، ص ۴۲۸)

روایت دوم: معتبر ابن ابی ساره از امام صادق علیه‌السلام: در این روایت آمده است که به امام گفتم: اگر مقداری خمر به لباسم برخورد کند می‌توانم قبل از شستن لباس در آن نماز بخوانم؟ فرمود: اشکالی ندارد، لباس که مست نمی‌شود. (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۴۷۲)

همان‌طور که در روایت قبل گذشت به نظر برخی از فقها دلالت این روایت بر طهارت خمر واضح است؛ زیرا اجازه داده شده قبل از شستن لباس در آن نماز خوانده شود. با ملاحظه ارتکاز متشرعین بر مانعیت نجاست از نماز، به دلالت التزامی معلوم می‌شود که روایت بر طهارت لباس و طهارت خمر دلالت می‌کند. (صدر، ۱۴۳۴ق، ج ۱۱، ص ۴۲۸)

دلیل دوم قائلین به نجاست: بیان می‌کرد که اتانول از مصادیق مسکر مایع بالاصاله است و



مسکر مایع بالاصاله نجس است، پس اتانول نجس است. این دلیل از یک صغری و کبری تشکیل شده است؛ هر چند برخی از فقها صغرای این دلیل را بدیهی پنداشته‌اند، (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۹۰) لکن همان‌گونه که برخی اندیشمندان معاصر فرموده‌اند: الکلی مسکر بالفعل نیست و بدون امتزاج با آب و تنزل درجه غلظت آن مسکر نمی‌شود، لذا این‌گونه مسکریت سبب حکم به نجاست آن نمی‌شود، (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۳۱) لذا صغرای این استدلال ناتمام است. اما کبرای این دلیل (نجاست مسکر مایع بالاصاله) را اکثر فقها پذیرفته‌اند، ولی برخی آن را نپذیرفته و به دسته‌ای از روایات استناد کرده‌اند که بر طهارت مسکر دلالت می‌کند؛ مانند:

مؤثق عبد الله بن بکیر: مردی از امام صادق علیه السلام درباره مسکر و نیبذ که با لباس برخورد می‌کند سؤال پرسید - و من هم نزد ایشان بودم - حضرت فرمودند: اشکال ندارد. (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۴۷۱)

به اعتقاد برخی از فقها از ظاهر این روایت برمی‌آید که آن لباس نجس و مانع از صحت نماز نیست؛ زیرا احتمال حرمت نفسی مطرح نیست، تا گفته شود ظاهر روایت دال بر نفی حرمت نفسی است.

### ۵-۳. ادله قول به تفصیل

بنابر این قول، اتانول طاهر است، مگر اینکه از تقطیر مشروبات الکلی نجس به دست آمده باشد. مستند این قول بنابر فرمایش شهید صدر این است که بعد از رد کردن ادله نجاست اتانول، تنها موردی که بر نجاست آن دلیل داریم اتانولی است که از تقطیر مشروبات الکلی نجس به دست می‌آید؛ زیرا با تقطیر اتانول، استحاله صورت نمی‌گیرد بلکه آن ماده اصلی الکلی که علت اسکار و نجاست خمر است بخار شده و سپس تبدیل به مایع می‌شود و درحقیقت مایع به دست آمده همان خمر و مشروب الکلی غلیظ می‌باشد. (صدر، ۱۴۳۴ق، ج ۱۱، ص ۴۵۶)

### ۶. بررسی اقوال و آرائه نظریه مختار

#### ۶-۱. بررسی دلیل اول بر نجاست

در مورد نجاست خمر همان‌طور که بیان شد آیه تحریم خمر دلالتی ندارد، اجماعی هم منعقد نشده است، لذا تنها دلیل معتبر بر نجاست خمر روایاتی است که بیان گردید. در مقابل این روایات



روایاتی وجود دارد که دال بر طهارت خمر است، پس این دو دسته از روایات متعارض می‌باشند.

### حل تعارض میان روایات

جمع عرفی: برخی از فقها فرموده‌اند: بین این دو دسته جمع عرفی وجود دارد؛ زیرا دسته اول حمل بر استحباب می‌شود، (مقدس اردبیلی، ص ۴۲) اما پاسخ داده شده که دسته اول روایات، صریح در نجاست هستند، لذا نمی‌توان آنها را حمل بر استحباب کرد، (همدانی، ۱۳۷۶ ش، ج ۷، ص ۱۸۵) پس تعارض بین دو دسته مستقر است لذا باید سراغ مرجحات برویم.

ترجیح به برخی روایات خاص: برخی از فقها فرموده‌اند: دو روایت وجود دارد که ناظر و حاکم بر همه روایات مذکور می‌باشند؛ (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۳، ص: ۲۵۷)

أ. روایت صحیح علی بن مهزیار: علی بن مهزیار می‌گوید: در نوشته عبدالله بن محمد بن ابی الحسن علیه السلام خواندم: فدایت شوم زراه از ابی جعفر و ابی عبدالله علیهما السلام درباره خمر که به لباس مرد برخورد می‌کند روایت کرده که آن دو حضرت فرمودند: اشکالی ندارد که در آن لباس نماز بخواند؛ فقط نوشیدن خمر حرام است. و از زراه از ابی عبدالله علیه السلام روایت شده که آن حضرت فرمودند: هنگامی که خمر یا نبید - یعنی مُسکر - به لباس برخورد کرد، اگر محل آن را می‌دانی آن موضع را بشوی و اگر محل آن را نمیدانی کل لباس را بشوی، و اگر در آن لباس نماز خوانده‌ای نمازت را دوباره بخوان، پس من را آگاه نما که کدام روایت را بپذیرم؟ علی بن مهزیار می‌گوید: ابوالحسن علیه السلام با خط خودشان در ذیل نامه نوشته بودند: سخن ابی عبدالله علیه السلام را بپذیر. (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۴۶۸)

ب. روایت معتبر خیران خادم: خیران خادم می‌گوید: به امام علیه السلام نامه نوشتم و از ایشان درباره لباسی که خمر یا گوشت خوک با آن برخورد کرده پرسیدم که آیا در آن لباس نماز خوانده می‌شود یا نه؟ اصحاب ما در این مورد اختلاف دارند برخی می‌گویند در آن لباس نماز بخوان؛ زیرا خداوند فقط نوشیدن آن را حرام کرده و برخی دیگر می‌گویند در آن نماز نخوان. حضرت علیه السلام نوشتند: در آن نماز نخوان زیرا پلید است. (همان)

توضیح: به اعتقاد برخی از فقها دلالت هر دو روایت بر ترجیح روایات نجاست خمر واضح است، (روحانی، ۱۴۳۵ق، ج ۵، ص ۱۳۲) لذا باتوجه به این دو روایت، شکی در ترجیح روایات دسته اول باقی نمی‌ماند.

با این بیانات مشخص شد که کبرای دلیل اول تمام است، اما گذشت که صغرای آن ناتمام می‌باشد، پس این دلیل توانست قول اول، نجاست اتانول، را اثبات کند.

## ۶-۲. بررسی دلیل دوم بر نجاست

اما دلیل دوم قائلین به نجاست (اتانول از مصادیق مسکر مایع بالاصاله است و مسکرات مایع بالاصاله نجس هستند، پس اتانول نجس است)

همان‌طور که بیان شد در مورد نجاست مسکرات مایع بالاصاله دلالتی ندارد و اجماعی هم منعقد نشده است، لذا تنها دلیل معتبر بر نجاست، روایاتی است که در مقابل آن روایاتی دال بر طهارت مسکرات مایع بالاصاله وجود دارد، پس این دو دسته از روایات متعارض می‌باشند.

### حل تعارض میان روایات

جمع عرفی: برخی از فقها معتقدند بین این دو دسته روایت، جمع عرفی وجود دارد؛ زیرا روایات دسته دوم - که مدلول آن صحت نماز در لباسی است که مسکر با آن برخورد کرده است - حمل بر حکم تکلیفی می‌شود؛ یعنی برخورد مسکر با لباس و پوشیدن آن لباس حرمت ندارد، دسته اول هم حمل بر حکم وضعی می‌شود؛ یعنی مسکر نجس است و نماز در لباس آلوده به آن باطل می‌باشد. (لنکرانی، ۱۴۳۲ق، ج ۳، ص ۵۵۵)

اشکال می‌شود که در دسته دوم گفته شده است که نکره در سیاق نفی مفید عموم است؛ یعنی از هیچ جهتی اشکالی وجود ندارد، پس حکم وضعی (نجاست) را هم نفی می‌کند. پاسخ داده می‌شود که بر فرض تسلیم، ظهور عموم دسته دوم به واسطه دسته اول از روایات، تخصیص زده می‌شود. (همان، ص ۵۵۶)

اگر جمع عرفی بین این روایات پذیرفته نشود، تعارض مستقر بوده و نوبت به مرجحات می‌رسد. ترجیح به برخی روایات خاصه: بیان شد که دسته دوم از روایات بر طهارت مطلق مسکرات - از جمله خمر و نیبذ مسکر - دلالت می‌کند، با توجه به اینکه دو روایت ابن مهزیار و خیران خادم، حجیت روایات دال بر طهارت خمر و نیبذ مسکر را الغاء کردند، معلوم می‌شود روایات دال بر طهارت مسکر حجت نیستند و روایات دال بر نجاست، بدون معارض باقی می‌مانند، پس بنا بر جمع عرفی و ترجیحات مطرح شده در کلام برخی فقها نتیجه این‌گونه می‌شود که: مسکر مایع بالاصاله نجس می‌باشد. (حکیم، ۱۳۷۴ش، ج ۱، ص ۴۰۴) لذا کبرای دلیل دوم تمام



است، اما گذشت که صغرای آن ناتمام می‌باشد، پس این دلیل هم نتوانست قول اول یعنی نجاست اتانول را اثبات کند.

### ۶-۳. بررسی قول سوم

قول سوم - اتانول طاهر است به جز اتانولی که از تقطیر مشروبات الکلی نجس به دست می‌آید - هم ناتمام است؛ زیرا از آنجا که عرف، مایع به دست آمده را چیزی غیر از مایع سابق می‌داند، لذا همان‌طور که محقق خوئی فرموده‌اند، استحاله صورت گرفته و حکم نجاست بر مایع جدید بار نمی‌شود. (خوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۹۳) و از آنجا که الکل خالص قابل شرب نمی‌باشد، پس در موضوع مایع مسکر داخل نمی‌شود.

### ۶-۴. نمره بحث

با توجه به ادله مطرح شده در کلام فقها و اشکالات وارد شده بر آنها می‌توان نتیجه گرفت که با توجه به عدم دلیل بر نجاست اتانول، مرجع ما قاعده طهارت است که به طهارت همه اشیاء مشکوک الطهاره حکم می‌کند. (خوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۱۴۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۰ش، ج ۲، ص ۴۱) در نتیجه تمام اقسام اتانول دارای حکم طهارت می‌باشند.

حکم به طهارت سایر اقسام الکل واضح‌تر از اتانول می‌باشد؛ چراکه نه عنوان خمر بر آنها صدق می‌کند و نه مسکر مایع بالاصاله می‌باشند، پس هیچ‌کدام از ادله‌ای که برای نجاست به آنها استدلال شده بود شامل آنها نمی‌شود، لذا مرجع ما قاعده طهارت می‌باشد. نمره بحث بیشتر در فرآورده‌های الکلی مشخص می‌شود که در ترکیب آنها یا در مراحل تولید آنها الکل به کار رفته است.

از آنجا که مشروبات الکلی مسکر مایع بالاصاله می‌باشند مشهور فقها قائل به نجاست آنها هستند. (جوهر، ج ۶، ص ۲) اگر شخصی اتانول یا سایر اقسام الکل را با آب یا مایعی دیگر مخلوط کند به صورتی که قابل شرب شده و مایع مسکری به دست بیاید این مایع بنابر نظر برخی از فقها نجس می‌باشد. (سبحانی، ۱۳۸۶ش، ص ۱۲۸) همچنین مواد اولیه غذایی و همچنین فرآورده‌های دارویی اگر از مصادیق مسکر مایع بالاصاله باشند، بنابر نظر مشهور فقها که مسکر مایع بالاصاله را نجس می‌دانند، نجس هستند. (تبریزی، ۱۳۸۵ش، ج ۱، ص ۲۷؛ مکارم شیرازی،





۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۴۰) در غیر این صورت، طبق قاعده طهارت پاک می‌باشند. (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۱۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۰ش، ج ۲، ص ۴۱)

## ۷. نتیجه گیری

تمام اقسام الکل خالص، طاهر می‌باشند. از میان فرآورده‌های الکلی بنابر طهارت الکل خالص، مواردی که مسکر مایع بالاصاله به آنها صدق می‌کند، بنابر نظر مشهور فقها نجس می‌باشند؛ مانند مشروبات الکلی، و غیر این موارد مانند فرآورده‌های غیر مسکر مایع بالاصاله بنابر قاعده طهارت، پاک می‌باشند، پس حکم اتانول طهارت است و اگر به چیزی اضافه شود موجب نجاست و حرمت آن نمی‌شود، بلکه بایست ادله حرمت و نجاست آن بررسی شود که اگر عرفاً از مصادیق مسکر مایع بالاصاله باشد نجس خواهد بود.



## فهرست منابع

### قرآن کریم

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق). *لسان العرب* (چاپ سوم). بیروت: دار صادر.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۳). *من لا یحضره الفقیه*، مصحح علی اکبر غفاری. قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامي.
۳. ابن سعید، یحیی بن احمد. *نزهة الناظر في الجمع بين الأشباه والنظائر*، محقق نورالدین واعظی و احمد حسینی اشکور. نجف اشرف: مطبعة الآداب.
۴. احمدی میانجی، علی. *کتاب الأشرية*. قم: دفتر معظم له.
۵. ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ ق). *تهذیب اللغة*، محشی عبد الکریم حامد و عمر سلامی. بیروت: دار إحياء التراث العربي.
۶. امین، جعفر؛ اردلان، عبد الحمید (۱۳۵۴). *شیمی (برای سال ششم طبیعی و ریاضی)*. بی جا: وزارت آموزش و پرورش، شرکت سهامی خاص و نشر کتاب های درسی.
۷. آملی، محمد تقی (۱۳۸۴ ق). *مصباح الهدی في شرح العروة الوثقى*. بی جا: بی نا.
۸. بحرانی، یوسف بن احمد (۱۳۶۳). *الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة*، محقق محمد تقی ایروانی و عبدالرزاق مقرم. قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامي.
۹. بهبانی، محمد باقر بن محمد اکمل (۱۳۷۸). *الرسائل الفقهية - حکم العصير التمری و الزبیبی*. قم: مؤسسة العلامة المجدد الوحيد البهبانی.
۱۰. تبریزی، جواد (۱۳۸۵). *استفتاءات* (تبریزی). قم: سرور.
۱۱. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۴ ق). *الصحاح (للجوهری)*، محقق احمد عبدالغفور عطار. بیروت: دار العلم للملایین.
۱۲. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶). *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*، محقق محمدرضا حسینی جلالی. قم: مؤسسة آل البيت علیه السلام لإحياء التراث.
۱۳. \_\_\_\_\_ (۱۴۰۹). *وسائل الشیعة* (چاپ اول). قم.
۱۴. حکیم، محسن (۱۳۷۴). *مستمسک العروة الوثقى*. قم: دار التفسیر.
۱۵. حلی، حسین. (۱۳۳۸ ق). *دلیل العروة الوثقى*، محرر حسن سعید. نجف اشرف: مطبعة النجف.
۱۶. خرمی فرد، محسن (۱۴۰۱). *الکحل و فرآورده های آن از منظر فقه*، پایان نامه سطح ۳، چاپ نشده.
۱۷. خلیل بن احمد (۱۴۰۹ ق). *العین*، محقق ابراهیم سامرائی و مهدی مخزومی. قم: مؤسسة دار الهجرة.



۱۸. خمینی، روح الله (۱۴۳۲ ق). *تفصیل الشریعة - الطهارة*، محقق: فاضل موحدی لنکرانی. قم: مرکز فقه الأئمة الأطهار عليه السلام.

۱۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲). *کتاب الطهارة*. تهران: مؤسسة تنظیم و نشر آثار الإمام الخميني عليه السلام.

۲۰. خورگامی، محمد هادی (۱۳۵۸). *شیمی آلی* (چاپ سوم).

۲۱. خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۸ ق). *موسوعة الإمام الخوئي*. قم: مؤسسة إحياء آثار الامام الخوئي.

۲۲. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). *لغت نامه دهخدا* (چاپ دوم). تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.

۲۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق). *مفردات ألفاظ القرآن*، مصحح صفوان عدنان داوودی. بیروت: دار الشامیة.

۲۴. روحانی، محمد صادق (۱۴۳۵ ق). *فقه الصادق*. قم: آیین دانش.

۲۵. سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۸۶). *توضیح المسائل (سبحانی)*. قم: مؤسسه امام صادق عليه السلام.

۲۶. صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر. *جواهر الکلام* (ط. القديمة)، محقق و معلق محمود قوچانی و همکاران، مصحح ابراهیم میانجی. بیروت: دار إحياء التراث العربي.

۲۷. صبور اردوبادی، احمد (۱۲۵۱). *بررسی فرآورده های کلل از نظر نجاست و طهارت* (چاپ دوم). قم: مرکز تبلیغات دارالتبلیغ.

۲۸. صدر، محمد (۱۴۳۰ ق). *ماوراء الفقه* (چاپ اول). بیروت: دارالاضواء.

۲۹. \_\_\_\_\_ (۱۴۳۴ ق). *موسوعة الشهيد السيد محمد باقر الصدر (اقتصادنا)*. قم: پژوهشگاه علمی تخصصی شهید صدر، دار الصدر.

۳۰. طباطبایی حکیم، محمد سعید (۱۴۳۳ ق). *منهاج الصالحین*. قم: دار الهلال.

۳۱. طباطبایی قمی، تقی؛ حاجیان دشتی، عباس. *مبانی منهاج الصالحین*. قم: قلم الشرق.

۳۲. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵ ق). *مجمع البحرين*، محقق احمد حسینی اشکوری. تهران: مکتبه المرتضویة.

۳۳. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵). *تهذیب الأحکام*، محقق حسن خراسان، مصحح محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الإسلامیة.

۳۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷ ق). *المبسوط فی فقه الإمامیة*، محشی محمدتقی کشفی. محقق محمدباقر بهبودی. تهران: مکتبه المرتضویة.

۳۵. \_\_\_\_\_ (۱۴۰۷ ق). *الخلاف*، محقق جمعی از محققین. قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمیة بقم، مؤسسة النشر الإسلامی.





۳۶. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۳۷۴). *مختلف الشيعة في أحكام الشريعة*. قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامي.
۳۷. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۴ق). *تذكرة الفقهاء* (ط الحديث: الطهارة إلى الجعالة). قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث.
۳۸. فاضل لنكراني، محمدجواد (۱۳۹۶). *مكاسب محرمه*، محرر محسن برهان مجرد و همكاران. قم: مركز فقهی ائمه اطهار عليه السلام.
۳۹. فاضل موحدی لنكراني، محمد (۱۴۲۶ق). *توضیح المسائل (لنكراني)*. قم: امير العلم.
۴۰. فيروزآبادی، محمد بن يعقوب؛ مرتضى زبیدی، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق). *تاج العروس من جواهر القاموس*، مصحح علی شیری. بیروت: دار الفكر.
۴۱. فيومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق). *المصباح المنير في غريب الشرح الكبير للرافعي*. قم: مؤسسة دار الهجرة.
۴۲. كاشف الغطاء، جعفر بن خضر. *كشف الغطاء عن مبهمات شريعة الغراء*. اصفهان: مهدي.
۴۳. كليني، محمد بن يعقوب (۱۴۰۷ق). *الكافي* (چاپ چهارم). تهران: الاسلامية.
۴۴. محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۳۷۶). *مصباح الفقيه*. قم: المؤسسة الجعفرية لأحياء التراث.
۴۵. مفيد، محمد بن محمد (۱۴۱۰ق). *المقنعة*. قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم. مؤسسة النشر الإسلامي.
۴۶. مقدس اردبيلي، احمد بن محمد. *زبدة البيان في أحكام القرآن*، محقق محمدباقر بهبودی. تهران: مكتبة المرتضوية.
۴۷. \_\_\_\_\_ *مجمع الفائدة والبرهان في شرح إرشاد الأذهان*، مصحح حسين يزدي و مجتبی عراقی و علی پناه اشتهاړدی. قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم. مؤسسة النشر الإسلامي.
۴۸. مكارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۰). *القواعد الفقهية*. قم: مدرسة الإمام علي بن أبي طالب عليه السلام.
۴۹. \_\_\_\_\_ (۱۴۲۷ق). *استفتاءات (مكارم)*، گردآورنده ابوالقاسم عليان نژادی. قم: مدرسة الإمام علي بن أبي طالب عليه السلام.
۵۰. مورتيمو، چارلز (۱۳۹۲). *شیمی عمومی*، مترجم علی پور جوادی و همكاران.
۵۱. مهنا، عبد الله علی (۱۴۱۳ق). *لسان اللسان*. المكتب الثقافي لتحقيق الكتب. بیروت: دار الكتب العلمية.
۵۲. يزدي، محمد كاظم بن عبد العظيم (۱۴۲۱ق). *العروة الوثقى*. قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم. مؤسسة النشر الإسلامي.